



تزکیه در قرآن (۱۳)

محسن ادیب بهروز

درآمد

قرآن، اعجاز کلام است و هفت دریای مفاهیم، و در این موج موج واژگان که حاملان وحی خداوندی اند، می توان مفاهیمی را جست و جو کرد که از ژرفا و عمق بیشتری برخوردار است. این واژگان، بار عظیم انتقال فرهنگ قرآنی را به دوش دارند و بهره گیری از آنها، هم در فهم و برخورداری از مفاهیم قرآنی سودمند است و هم در روشنگری جایگاه انسان در زندگانی ارزشمند. تزکیه یکی از این واژه ها است که با خود مجموعه ای از اهداف رسالت را حمل می کند. در معنای لغوی آن، واژه شناسان مطالب بسیاری را ذکر کرده اند. خلیل بن احمد فراهید در زیر این واژه و مشتقاتش به مفاهیمی چون راستی و استواری اشاره می کند و محمد درید، زکاء الزرع را به معنای حاصل و درآمد کشته می گیرد. مفسران و قرآن پژوهان نیز در فهم آن هر یک به راهی رفته اند؛ چنان که طبری تزکیه را در معنای تطهیر اعتبار کرده و ابن عباس آن را به معنای اطاعت خداوند گرفته است و شیخ طوسی تنها به گزارش اقوال پیش تر اکتفا کرده است. قرآن پژوه معاصر شیخ حسن مصطفوی در باره آن می نویسد:



معنی اصلی در این ماده (ز-ک-ی) کنار زدن آنچه که حق نیست و بیرون کردن آن از وجود سالم- می باشد.

در جمع بندی اقوال می توان تزکیه را در معنای مختلفی چون پیراستن و آراستن و رشد و فزونی دادن معنی کرد و مفسرانی چون فیض کاشانی، علامه طباطبائی، سید قطب و... بر این باوراند.

واژه تزکیه و مشتقات آن - بیشتر در ساختار مضارع - بیست و پنج بار در قرآن آمده است و می توان آن را گاهی با تلاوت آیات همراه دید و گاه با تعلیم کتاب و حکمت.

۱. در آیه ۱۲۹ سوره بقره، ابراهیم از خداوند می خواهد پیامبری را از خاندان او برگزیند که به سه وظیفه قیام کند؛ تلاوت آیات، تعلیم کتاب و حکمت، و تزکیه. نیشابوری در تبیین سومین ویژگی نوشته است:

ارکان ارشاد به آراستن و پیراستن است.

تزکیه را نمی توان به پیرایش ظاهر محدود کرد، بلکه پالایش درون از شرارت های شرک آلود نیز شامل آن است و در پیراستن از شرک، تشخیص نوع آن ضرورتی است انکارناپذیر و ابن عاشور می نویسد:

بِذَکِّهِمْ، زِدُّوْنَ بَزرگ ترین شرک است و آن شرک به خداست.

شرک و کفر، تنها آلودگی بایسته پیرایش نیست بلکه رفتارهای زشت و ناهنجاریها نیز مشمول آن است. سید عبدالحسین طیب در این باره می نویسد:

تزکیه به معنای تطهیر از شرک، کفر، ظلمات، اخلاق رذیله، صفات خبیثه و معاصی کبیره و صغیره است و مرتبه اعلای آن عصمت است.

۲. در آیه ۱۵۱ سوره بقره در پاسخ دعا و برای «معرفت یافتن بر نعمت» کلام وحی، گزینش پیامبر را گوشزد می کند که آمده تا آیات قرآن را بر شما بخواند و از کفر و شرک شما را بپیراید. و این کنایه ای تأثیرگذارتر از صراحت است.

در تفسیر این آیه، در نظر مفسران، یک سویی دیده نمی شود اما تزکیه از منظر مفسران در دو آیه ذکر شده؛ پیراستن، آراستن و آگاهی دادن و به کمال رسانیدن است.

پیراستن از باورهای واهی، شرک، کفر و رفتارهای زشت. آراستن به اندیشه های بنیادین، اصیل و رفتارهای بایسته الهی. آگاه نمودن بر ابزارهای پاکیزگی، پاکیزه خواهی و پاک بودن. و فرجام آن، شکوفایی استعداد های عقلی و عملی - عقل نظری و عملی - و رشد و کمال آدمی.

۳. در تفسیر آیه ۲ سوره جمعه که در آن اشاره به بعثت پیامبری از خودتان شده «تا آیات را بر

شما بخواند و شما را تزکیه کند. «؛ شیخ طوسی پس از تبیین بعثت پیامبر و امی بودن آن حضرت می نویسد:

به واسطه آنچه که آنان را به ایمان رهنمون می کند از آلودگی های شرک می پیراید تا از پاکان گردند.

شیخ مصطفوی مراغی، تزکیه را دومین هدف بعثت پیامبر دانسته است. محدوده تزکیه در نگاه سید قطب گسترده تر و فراخ تر از آن چیزی است که عالمانی چون فخر رازی و قرطبی گفته اند. تزکیه، آراستن به اندیشه های استوار الهی و روابط الهی فردی و اجتماعی است، اما چه کسانی شایستگی آن را دارند؟ آیا تزکیه انتخاب است؟ نمونه های قرآنی آن کدام است و چهره های دروغین آن کجاست؟ آنچه در این نوشتار می آید پاسخی است بر این پرسشها.

تزکیه؛ اراده الهی یا انسانی

پیراستن و زدایش آثار رفتار و ماهیت اندیشه و گفتارهای ناشایست و ناسالم از خویشتن، آن چنان دشوار می نماید که بسیاری از آدمیان از انجام آن بیم دارند، به ویژه آن که این مهم با علم جویی و خداخواهی ذهنی نیز آمیخته شود. اما اگر از منظر قرآن بنگریم چنین نیست. در برخی از آیات، انسان، ناتوان از واقعیت بخشیدن به آن معرفی می شود: «ولو لا فضل الله علیکم و رحمته، ما زکی منکم من احد ابداً و لكن الله یزکی من یشاء» (نور، ۲۴/۲۱)؛ و در آیتی دیگر میل انسانی، نطفه و محرک و آغازین؛ «فقل هل لک الی ان تزکی». (نازعات، ۱۸/۷۹) طرفه آن که با مطالعه و چینش آیات در کنار هم، تزکیه در عین دشواری، ناممکن نمی نماید اما دستیابی به آن تنها با اتکای اراده و آگاهی انسان و یا بدون تقاضای خویشتن، خیالی بیش نخواهد بود.

«یا ایها الذین آمنوا، لا تتبعوا خطوات الشیطان و من یتبع خطوات الشیطان، فانه یأمر بالفحشاء و المنکر و لو لا فضل الله علیکم و رحمته ما زکی منکم من احد ابداً و لكن الله یزکی من یشاء و الله سمیع علیم.» (نور، ۲۴/۲۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از پی گام های شیطان مروید و هر که گام های شیطان را پیروی کند بداند که او به زشتکاری و کارهای ناپسند فرمان می دهد و اگر فضل و بخشایش خدا بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاک نمی شد و لیکن خداوند هر که را خواهد پاک سازد و خدا شنوا و داناست. ۱



ایه خطاب به مؤمنان است، آنان که به وحدانیت خداوند معترف و بر رسالت رسولانش تصدیق گراند. رهرو راه های غیر خدایی مباشید، زندگی و حیات راهی است که رهروانی پیوسته و بایسته دارد و در این راه، آثار و نتایج قطعی و همیشگی است. در این راه راهنمایان بسیاراند اما به هوش توقف، تفکر و انتخاب نمی توان داشت، چرا که حرکت را با ایستادن کاری نیست و این دو نه با هم اند که مرگ هم اند:

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم موجیم که آسودگی ما عدم ماست
بنابراین، پیراستن و آراستن را با لطف خداوندی می توان آغازید و به فضل وی به سرانجام رسانید؛ چنان که شیخ طوسی نوشته است:

آن کس که بداند برای او از جانب خداوند، لطفی است که به واسطه آن بر کارهای نیک پایدار است، تزکیه می شود.^۲

و خداوند لطفش را درباره آن شخص انجام می دهد تا آن شخص در نزد وی پاک و پاکیزه شود.^۳

در نظام هستی و بر اساس قوانین قطعی الهی، در صورتی می توان به زدودن نتایج و آثار گناهان، دست یافت که رحمت و فضل الهی آدمی را در برگیرد و بهره مند سازد؛^۴ زیرا پنهان ساختن آثار زشت خوی های بد و کج اندیشیها تنها با قدرت و اراده خداوندی به انجام می رسد.^۵ «ولکن الله یزکی من یشاء».

خداوند هر که را بخواهد پیراسته می سازد- تنها- اراده و خواست وی لازم است. تجلی اراده الهی و چهره شفاف آن در کجا هویدا می شود؟ از نگاه مفسران، فراخوانی به توبه و پذیرش آن اجرای مشیت الهی برای تحقق تزکیه است.

بیضاوی، فیض کاشانی، نورالدین محمد کاشانی، میرزا محمد مشهدی، مصطفی مراغی و... در تفسیر این آیت الهی می نویسند:

«ولکن الله یزکی من یشاء» یعنی توبه و پذیرش توبه.^۶

بر استواری این دیدگاه، بیان علامه طباطبایی خواندنی است:

خداوند متعال به پیراستن و آراستن انسان هایی می پردازد که برای تزکیه اعلام آمادگی می نمایند. گواه این سخن، کلام الهی است که می فرماید، «والله سمیع عظیم»، خداوند بر اعلام نیاز و آمادگی تزکیه گر شنوا و آگاه است.^۷

در فرجام سخن به کلام قرآن پژوه معاصر شیخ ابوالاعلی مودودی می پردازیم:

روش خداوند متعال در تزکیه و پاک گردانیدن مردم از آلودگی های فواحش و منکرات، قانونمند

است بلکه بر یک نظام راستین و آگاهی گسترده استوار است، پس میل به نیکی و بدی در انسانها و هر چه در درون دارند و... آگاه است. بنابراین با چنین گستردگی در علم الهی، بایسته است که اراده الهی به تعیین تزکیه‌گر پردازد.^۸

حلاوت فزا در این معنا آن که زندگی و حیات آدمی لطفی است که از آفریننده به او ارزانی شده و آگاهی وی بر این نعمت گرانمایه، زمینه و بستر مناسبی است برای پیراستن و زدایش اندیشه، کلام و رفتار ناهمگن او با سرشت الهی اش؛ که اگر خود آگاهی بازگشت به خویشتن خویش را - توبه - فراهم نماید، فضل و رحمت الهی، وی را فرا می‌گیرد و آن‌گه پیراستن آغاز می‌شود و زنهار که تداوم نمی‌یابد مگر آن که رهرو را راهنمایی الهی باشد.

«و ما علیک الایزکی» (عبس، ۷/۸۰)^۹

در عالمی که پیراستن را جز با رحمت الهی نمی‌توان آغاز کرد، چگونه آراستن به زیباییها، کمالها و ارزش‌های واقعی، واقعیت عینی و محسوس پیدا خواهد کرد. بی‌آن که رهنمون، اسوه و الگویی الهی - انسانی در میان باشد.

اما کدامین شایسته، تزکیه‌شده و کمال‌یافته‌ای را می‌توان سرمشق قرار دارد؟ کدامین کس با اصلش همگن است که همراهان را هم عنان کند؟

«ربنا و ابعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم آیاتک و یعلمهم الکتاب و الحکمة و یزکیهم، انک انت العزیز الحکیم» (بقره، ۱۲۹/۲)^{۱۰}

مجری تزکیه، انسانی است از مردم همان سامان که خودمزکی است؛ آن کس که به تلاوت آیات، تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه می‌پردازد و در تزکیه به پیراستن از زشت‌خوییها و کج‌اندیشیها و آراستن به کمال و زیباییها آگاهی می‌دهد. و آن کس که پیراستن و آراستن را در وجود آدمیان، تحقق می‌بخشد به آن جامعه عمل می‌پوشاند.

مفسران در این دیدگاه وحدت نظر دارند؛ شیخ طوسی، حسین بن مسعود بغوی، خواجه عبدالله انصاری، ابوالفتح رازی، طبرسی، فخر رازی، قرطبی، بیضاوی، نسفی، نیشابوری، آلوسی، مراغی و... در تفسیر «و ما علیک الایزکی»؛ جملگی نوشته‌اند: «ای پیامبر ﷺ در پیراستن و آراستن انسانها، وظیفه‌ای جز رسانیدن پیام نداری».^{۱۱}

آگاه نمودن و آگاهی دادن به ناراستی اندیشه ناسالم، سخنان زیانبار و حرف‌های بیهوده و رفتارهای ناشایست و شناسانیدن و نشان دادن زیباییها، ارزشها و کمالات انسانی، در زندگی ساده و پیچیده، لباسی است برازنده ابراهیم خلیل و محمد امی ﷺ.

دغدغه و دلمشغولی‌های رسولان و راهبران الهی نسبت به جامعه بشری واقعیتی است



همیشگی و پیوسته. ویژه آن که در جامعه غرق در آلودگیها، انس با آرزوهای دراز و توهمات، جسارت و گستاخی در برابر توبه به وجود می آید و این چنین است که نگرانی، جایگزین دغدغه و رنج مدام، جانشین دلمشغولی رسول الهی ﷺ می گردد تا آنجا که خداوند این مایه رحمت جهانیان^{۱۲} را، خطاب نموده و به دفع نگرانی و رنج وی فرمان می دهد؛ چرا که او از پیامبر، مزگی بودن انسانها را نمی خواهد، بلکه آشنا نمودن آنها به پیراستن و آراستن را خواستار است. علامه طباطبایی در این مقال می نویسد:

از پیراسته نشدن و آراسته نبودن، باکی به خود راه مده. ۱۳
و فیض کاشانی، ضمن استواری این معنا می نویسد:

وامدار ثروتمندان و بی نیازان مادی مباش، خواه پیراسته و آراسته باشند و خواه آلوده. ۱۴

میل به تزکیه

همان گونه که پیراستن و آراستن، بی اسوه و راهنمایی الهی-انسانی به سرانجام نمی رسد، بی نیازی به تزکیه نیز فرجامی خوشایند نخواهد داشت. برای رفتن آلودگیها و نشاندن زیبایی های الهی-انسانی، تنها فضل و رحمت الهی و آن خودآگاهی که با پیامبر ﷺ آغاز می شود کافی نیست بلکه احساس نیاز روح، میل واقعی، تمایل باطنی، تقاضای دل و عشق به تزکیه نیز لازم است. «فقل هل لك الي ان تزكي»؛ (نازعات، ۱۸/۷۹)

پس بگو آیا تو را هیچ میل و رغبتی هست که به پاکی گرایی. ۱۵

میل و کشش به تزکیه، آدمی را در راه دشوار و پرزحمت و خستگی آور پیراستن از کج اندیشی، نارواگویی و زشت خوئی، توانمند و مقاوم نگه می دارد و آن گه فضل الهی با افشاندن پرتوهایش توبه را تحقق می بخشد.

اکنون کلام مفسران را بنگریم:

فخر رازی، ضمن بررسی واژه ترکی، دو گونه قرائت برای این واژه، می نویسد:

آیا به آن چه تو را از عیبها پاک گردانید، میل و رغبتی داری. ۱۶

بیضاوی، عبدالله نسفی، ابوحنیفان اندلسی، ابن کثیر دمشقی، فیض کاشانی، سیدمحمد آلوسی بغدادی، علامه طباطبایی و... با بیانی مشترک در تفسیر این آیت الهی نوشته اند:

آیا برای پاک شدن از آلودگی های طغیان، میل داری و پذیرای راه و روش و مسلکی که به واسطه

آن پاک گردی، هستی؟ ۱۷

مرحوم مراغی با توضیح بیشتر، می نویسد:



آیا میل داری وجودت را از گناهانی که در آن فرو رفته‌ای پاک کنی و به آن چه راه یافته‌ای عمل نمایی و از راه آورد زشتی‌های خویش، دور گردی و از فرجام نافرمانی به خدایت ترسان باشی، تا سرانجام از بازتاب و واکنش آنها مصون بمانی؟^{۱۸}

با این اوصاف می‌توان تزکیه را با فضل و رحمت الهی و به واسطه توبه و پذیرش آن آغاز کرد، آن‌گاه با تمسک به پیام‌رسانی و آگاهی‌های روشن و عینی پیامبر ﷺ راه دشوار و پیچیده پیراستن از تمامی آلودگیها و آراستن به تمامی زیبایی‌ها و کمال‌ها را طی کرد؛ مشروط به آن که نیاز، میل و عشق، همیشه همراه و ملازم انسان باشد.

برای فهم این معنا می‌توان از قرآن بهره جست و با بررسی، تأمل و آزمودن نمونه‌های تزکیه در قرآن عزم پیمودن را جایگزین تصور رفتن نمود و پیراستن را آغاز کرد.

نمونه های قرآنی تزکیه

۱. «الذی یؤتی مال له یتزکی» (لیل، ۱۸/۹۲)

آن که مال خود را می‌دهد تا پاک و پیراسته شود. ۱۹

بخشیدن مال و ثروت برای انسان دشوار است مگر آن که هدف و انگیزه‌ای در میان باشد و روشن است که نوع بخشش و میزان آن بستگی به مقصد و مقصودی دارد که بخشنده، در پی رسیدن به آن است.

وابستگی انسان به دنیا و داراییها نیز روشن است و دل‌کندن از آن بسی دشوار، و تا انسان از این کمند رها نشود زمینه ورود به وادی معرفت را نخواهد داشت؛ بنابراین انسانی که خواهان پیراستن از آلودگیها و آراستن به زیبایی‌های الهی است بایست از دارایی‌های مادی خویش بی‌اغازد، کمند را بگسلد و زمینه ورود به معنویت را ایجاد کند. شیخ طوسی -رضوان الله علیه- در تفسیر آیه یاد شده بدین نکته اشاره کرده و نوشته است: «الذی یؤتی مال له یتزکی»؛ کسی که با بذل اندوخته‌های مادی، پیراستن خویش را خواهان است. ۲۰

بذل، پرداخت و انجام تعهد نیست بلکه تقدیم و پیش کش است، جدا کردن است و فراتر از اینها اتفاق است؛ نه برای محبوب شدن در جامعه و نامی شدن بلکه برای تزکیه شدن. آن‌گونه که امین‌الاسلام مرحوم طبرسی می‌نویسد:

در راه خدا اتفاق می‌کند، نه برای خودنمایی بلکه برای تمنای پیراستگی از پیشگاه ربوبی. ۲۱

اگرچه در نگاه سطحی تقدیم و بذل اندوخته‌های مادی از دست دادن دارایی صاحب مال است اما نگاه انسان فهیم و فکور، از دست رفتن نیست بلکه معاوضه و جایگزینی شایسته و



بایسته ای است، آن سان که مرحوم بیضاوی در تفسیر این آیت الهی نوشته است:

ثروت خویش را در خاستگاه نیکی، تبدیل می‌کند. ۲۲

پس جایجایی است بین آنچه که رفتنی و بی دوام است و آنچه که ماندنی و پابرجاست. به واقع معامله پرسودی است اما آن کس که در این معامله خودنمایی و شهرت طلبی را پیشه کند آن چه را که داشته تباه کرده است و چه زیبا سخنی است، کلام محمد بن آشور که می‌نویسد:

اندوخته‌های مالی خویش را با انگیزه سودبری الهی، می‌بخشد و حال آن که، مشرکان برای فخر و ریا و فساد و تباهی، می‌دهند. ۲۳

بنابراین بذل، تقدیم و انفاق دارایی‌های مادی برای پیراستگی از آلودگیها و آراسته شدن به ارزش‌های الهی به تزکیه اندیشه و رفتار، کمک شایانی می‌نماید، و ویژه آنکه نخستین گام عملی در پیراستن و آراستن باشد.

۲. «خذ من اموالهم صدقه، تطهرهم و تزکیهم بها و صلّ علیهم...» (توبه، ۱۰۳/۹)

از مال‌های آنان صدقه‌ای - زکات - بگیر که بدان وسیله پاکشان سازی و آنان را برکت و فزونی بخشی - اموال یا حسناتشان را نشو و نما دهی - و ایشان را دعا کن.

اگر اموال در زبان فارسی به معنای دارایی به کار می‌رود اما در زبان عرب، تنها ثروت و دارایی مادی نیست، بلکه هر آنچه از بهره‌های دنیایی و نیز، به سود حاصل از آن اموال، گفته می‌شود. ۲۴ بنابراین باید از واژه اموال، در قرآن تفسیری مبتنی بر فرهنگ عرب داشت و لذا مفسر بزرگ، شیخ طوسی - رضوان الله علیه - با توجه بدین نکته دقیق می‌نویسد:

تعبیر اموال در این آیت الهی به جهت اختلاف - اشخاص در نوع - دارایی است چرا اگر فرموده می‌شد: خذ من مالیهم می‌بایست نوع معینی اراده می‌شد - و حال آنکه تعبیر اموال دارد. ۲۵

بنابراین تعبیر، نمی‌توان مقدار معین و مشخصی از مال را برای انسانها در نظر گرفت بلکه به تناسب نوع دارایی و ثروت مادی، مورد و نمونه اموال نیز تغییر می‌کند. در این آیت الهی، برخلاف آیت پیشین، سخن از بخشیدن و بذل و انفاق نیست، بلکه گرفتن است و جدا ساختن و بیرون آوردن و لذا نمی‌توان به مجموع اندوخته و داشته‌های مادی نظر داشت؛ زیرا ممکن نیست برای انسان تزکیه نشده، عاقلانه و اندیشمندانه به حساب نیاید. علاوه بر این، عامل و وسیله‌ای در پیراستن وی، نخواهد بود، بلکه در گریز او از پیراستن، اثربخشی خواهد داشت و اگر با نگاه دقیق و عمیق بنگریم در بیشتر نمونه‌ها، تمامی دارایی‌های مادی، آلودگی نیست تا با گرفتنش، پیراسته شود، بلکه به طور عادی جدا نمودن و گرفتن بخشی از آن در پیراستن و آراستن اندوخته‌ها تأثیرگذار خواهد بود.

شیخ طوسی با توجه به این نکته می نویسد: «واژه من در جمله «خذ من اموالهم» در بیان گرفتن بخشی از اموال است و لذا فرمود پاره‌ای از اموال را بگیر». ۲۶

پس بخشی از اموال را بایست، گرفت نه تمام اندوخته مادی را! این گرفتن و جدا نمودن در انسانی، پیراستن از آلودگیها و آراستن به ویژگی‌های برجسته کمالی را تحقق می‌بخشد، که مقصد و مقصود گیرنده، برای اجرای ارزش‌های الهی- انسانی، در جامعه است و کمبودها و کاستی‌های مادی جامعه را برطرف می‌نماید چنانچه، شیخ طوسی در تعریف واژه صدقه می نویسد:

صدقه پرداخت مال و ثروت است برای ارزش نهادن به فقر و نیاز. ۲۷

توجه داشتن و بها دادن به نیازهای مادی مردم است که انسان را بر می‌تابد و بر دفع آن می‌شوراند، آنگه رستن از آلودگی‌ها می‌آغازد و پاکی، خویشتش را در بر می‌گیرد. امین‌الاسلام طبرسی-رضوان‌الله‌علیه- در تفسیر آیه بدین نکته اشاره کرده و نوشته است:

تطهرهم، این جمله صفت است برای صدقه و «تا» برای خطاب است. صدقه‌ای که به آن وسیله،

تو آنها را پاک و تزکیه می‌کنی و با این وجه هر دو فعل به پیامبر اسناد داده می‌شود.

وجه دیگر آن است که «تا» در تطهرهم تأنیث باشد برای صدقه؛ یعنی صدقه، آنها را پاک و

مطهر می‌سازد و در تزکیهم خطاب به رسول اکرم، یعنی تو آنها را به پاکی نسبت می‌دهی. ۲۸

راز ارتباط تطهیر و تزکیه در این آیت الهی چیست و چرا تطهیر پیش از تزکیه آمده است؟

بنگرم پاسخ برخی از مفسران را، که از ارتباط واژگان در یک آیه و رابطه آیات در سوره به

کشف معنایی فراتر از معنای واژه و آیه می‌پردازند.

زمخشری با توجه بدین نکته، در معنای تزکیه نوشته است:

تزکیه مبالغه در تطهیر است. ۲۹

معنای دیگری مرحوم طبرسی برای تزکیه آورده و می‌نویسد:

تزکیه به دو معناست،

۱. مبالغه و زیادی در تطهیر و پاکی،

۲. برکت و افزایش در مال و ثروت. ۳۰

بر استواری این معنا، مفسران دیگری، اشارت داشته‌اند. ۳۱

لطافت و ظرافت ارتباط تطهیر و تزکیه تنها با کلام مفسرانی که از آنان سخنی رفت شفاف

نمی‌شود. علامه طباطبایی-رضوان‌الله‌علیه- در بیانی رسا و کوتاه به ارتباط این دو واژه پرداخته و

می‌نویسد:



تطهیر، بیرون راندن آلودگی‌ها و پلیدی‌ها از چیزی، تا وجودش را پاکیزه و پالوده گرداند، تا برای رشد و شکوفایی و بهره‌دهی مناسب و مفید آماده گردد. تزکیه، به رشد و شکوفایی رسانیدن است تا سعادت و افزونی نمایان شود... بنابراین، جمع تطهیر و تزکیه در این آیه حاکی از لطافت در تعبیر است. ۳۲

* تزکیه در قرآن *

اگر کلام این مفسر بزرگ قرآن را بپذیریم، بایست تزکیه را آراستن به خوبیها، ارزشها و برتری‌های واقعی و عینی دانست و نیز تطهیر را پیراستن از زشتی‌ها، آلودگی‌ها و پلیدی‌های درونی و برونی.

کلام محمدطاهر بن آشور، دراستواری این دیدگاه، خواندنی است، جمله «تطهرهم» به مقام پیراستن از بدیها، تزکیهم، آراستن به مقام فضیلت‌ها و نیکی‌ها اشارت دارد و به ناچار پیراستن بر آراستن پیشی دارد. ۳۳

بنابراین نمی‌توان تزکیه را بدون تطهیر آغازید و به تعبیر قرآن پژوه ارجمند، استاد حسن مصطفوی:

تطهیر نخستین شرط برای عینیت یافتن صفا، خلوص و نورانیت است و تطهیر را با قدرت و توانایی خویش نمی‌توان به دست آورد، و به دست آوردن آن میسر نیست مگر با قدرتی گسترده‌تر از قدرت انسانی، ان الله اصطفاک و طهرکد. (آل عمران، ۴۲/۲) ۳۴

اکنون می‌توان به استواری و استحکام دیدگاه مفسرانی پی برد که مخاطب «تطهرهم و تزکیهم» را رسول الله ﷺ دانسته‌اند و ایشان را با گرفتن بخشی از اموال مردم، مطهر می‌دانند! علامه طباطبایی - رضوان الله علیه - با توجه بدین نکته نوشته است:

مخاطب جمله «تطهرهم و تزکیهم»، پیامبر ﷺ است و نه وصف صدقه، گواه بر این ادعا تعیین صدقه برای مرجع ضمیر در کلمه بها می‌باشد. ۳۵

طرفه آن که گرفتن و جدا نمودن بخشی از دارایی‌های مادی، توسط رسول الله ﷺ جهت برطرف کردن فقر و پاسخ گویی به نیازمندان اقتصادی، گامی است در تزکیه و فرجام آن تطهیر! امید آن که در نوشتاری دیگر به بررسی و تبیین دیگر نمونه‌های قرآنی دست یازیم و بر شفافیت، پیراستگی و آراستگی بحث بیفزاییم.



۱. در ترجمه آیات از ترجمه قرآن دکتر سیدجلال الدین مجتوبی بهره گرفته شده است. سورة نور یکصدمین سوره‌ای است که در مدینه نازل شده است (مجمع البیان، ۱۰/ ۱۶۵؛ المیزان، ۱۵/ ۷۸؛ الاتقان، ۱/ ۶۰ و...) آهنگ کلی سوره، تبیین احکام و قوانینی است که در روابط سالم اجتماعی، بسیار تأثیرگذار و اثربخش است، که به تناسب این قوانین معرفت‌های الهی نیز بیان شده است. (المیزان، ۱۵/ ۷۸؛ التحریر و التنویر، ۱۸/ ۱۴۰ و التریبۃ الاسلامیہ/ ۱۷) و در نخستین آیت سوره، هدف اصلی، بیان شده است. (المیزان، ۱۵/ ۷۸، و تفسیر سورة النور و احکامها/ ۹ از عقیف عبدالفتاح).
۲. تبیان، ۷/ ۴۲۰ و نیز ر. ک: به محدث علی بن حسین عاملی، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، ۲/ ۳۷۹.
۳. ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ۴/ ۲۹۸.
۴. عمدة الحفاظ فی تفسیر اشرف الالفاظ، ۳/ ۱۸۹۳، و اژه «غفران».
۵. ر. ک: تفسیر البغوی، ۶/ ۲۶، چاپ دارطیبه.
۶. حاشیة الشهاب علی تفسیر البیضاوی، ۷/ ۲۹؛ تفسیر الصافی، ۳/ ۴۲۶، چاپ مؤسسه الاعلی للمطبوعات؛ تفسیر المعین، ۲/ ۹۲۳؛ تفسیر کنزالدقائق، ۷/ ۳۵؛ تفسیر المراغی، ۶/ ۳۳۸؛ التفسیر الفرید للقرآن المجید، ۳/ ۲۱۶۳ و تفسیر النسفی، ۲/ ۴۹۵.
۷. تفسیر المیزان، ۱۵/ ۹۳.
۸. ابوالاعلی المودودی، تفسیر سورة نور/ ۱۳۷، ابوالاعلی المودودی، دار السعودیه، چاپ سوم، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۹. سورة عیس بیست و یکمین سوره‌ای است که در مکه، نازل شده است (الاتقان، ۱/ ۵۹؛ مجمع البیان، ۱۰/ ۶۵ و التحریر و التنویر، ۳۰/ ۱۰۱).
- آهنگ کلی سوره، نکویش آدمیانی است که فقر مادی را مجوزی بر کوچک انگاشتن و ضعیف شمردن نیازمندان مادی می‌داند و اندوخته‌های مادی را ملاک برتری و بزرگ شمردن بی‌نیازان می‌پندارند که در نخستین آیات سوره تبیین شده است و در آیات دیگر به خواری انسان در نظام آفرینش و نیازمندی وجودی اش که با طغیان و سرکشی به نبود حاکمیت خداوند و یک نظام قانونمند در جهان هستی می‌پردازد، پرداخته و در پایان، فرجام زندگی انسان، بیان شده است. (المیزان، ۲۰/ ۱۹۹؛ فی ظلال القرآن، ۶/ ۳۸۲۲ و...).
۱۰. و نیز بنگرید آیات ۱۵۱ از سوره بقره و آیه ۲ از سوره جمعه و بخش اول این مقاله در همین فصلنامه، ش ۲۴.
۱۱. تبیان، ۱۰/ ۲۷۰؛ تفسیر البغوی (معالم التنزیل)، ۴/ ۴۴۷؛ کشف الاسرار، ۱۰/ ۳۸۲؛ روض الجنان و روح الجنان، ۲۰/ ۱۴۹؛ ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ۶/ ۵۶۲؛ تهذیب التفسیر الکبیر، ۷/ ۳۹۰؛ الجامع لاحکام القرآن، ۱۹/ ۱۴۰؛ حاشیة الشهاب علی تفسیر البیضاوی، ۹/ ۴۱۴؛ تفسیر النسفی، ۴/ ۴۸۷؛ غرایب القرآن، ۶/ ۴۴۷؛ روح المعانی، ۱۶/ ۷۱ از جزء ۳۰؛ تفسیر المراغی، ۱۰/ ۳۲۹ و الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، ۳/ ۴۲۶.
۱۲. الحاقه، آیه ۴۰؛ اعراف، آیه ۱۵۸؛ اعراف، آیه ۱۸۸. نیز ترجمه قرآن بهاءالدین خرمشاهی و انبیا، آیه ۱۰۷، ترجمه قرآن بهاءالدین خرمشاهی.
۱۳. تفسیر المیزان، ۲۰/ ۲۰۱.
۱۴. تفسیر صافی، ۵/ ۲۸۵.
۱۵. سورة نازعات، هشتادمین سوره‌ای است که در مکه بر پیامبر ﷺ نازل شده است. الاتقان، ۱/ ۵۹؛ مجمع البیان، ۱۰/ ۱۶۵؛ البته یا توجه به تکرار سورة قمر، در شمارش اولیه هشتاد و یکم به شمار می‌آید اما این شمارش اشتباه است. ابن عاشور، (التحریر و التنویر، ۳۰/ ۵۹) و محمد عزه دروزه (تفسیر الحدیث، ۱/ ۱۵) آن را هشتاد و یکمین سوره دانسته‌اند. آهنگ کلی سوره اثبات و گزارش روشن و محسوسی از قیامت است و نیز زمان آن. (المیزان، ۲۰/ ۱۷۸؛ التحریر و التنویر، ۳۰/ ۶۰ و تفسیر البصائر، ۵۲/ ۷).
۱۶. تفسیر کبیر، ۱۱/ ۳۹، چاپ جدید از دار احیاء تراث العربی، ۱۴۱۷ هـ. ق.
۱۷. حاشیة الشهاب علی تفسیر البیضاوی، ۹/ ۴۰۳؛ تفسیر النسفی، ۴/ ۴۸۳؛ البحر المحیط، ۱۰/ ۳۹۸؛ تفسیر



القرآن العظيم، ۳۱۵/۸، ونيز بنگريده به: الوجيز في تفسير القرآن العزيز، ۴۲۱/۳ و الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، ۲/ ۱۱۷۰ با تحقيق صفوان عدنان.

۱۸. تفسير المراعي، ۳۱۹/۱۰.

۱۹. سورة ليل هشتادمين سوره‌ای است که در مکه نازل شده است (الاتقان، ۵۸/۱؛ البرهان في علوم القرآن، ۱/ ۲۸۰؛ مجمع البيان، ۱۰/ ۱۶۴...) آهنگ کلی سوره، تبين والای و برتری اندیشه، گفتار و کلام مؤمن است و نيز عيب يابی و نکوهش مشركان و فرجام حیات هر کدام.

۲۰. تبیان، ۳۶۶/۱۰.

۲۱. مجمع البيان، ۱۰/ ۲۹۸ و نیز ر. ک: تفسير النسفی، ۴/ ۵۳۱؛ غرائب القرآن، ۶/ ۵۱۲ و الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، ۲/ ۱۲۰۹.

۲۲. حاشية الشهاب على تفسير البيضاوي، ۵۰۸/۹.

۲۳. التحرير والتنوير، ۳۰/ ۳۹۱.

۲۴. عمدة الحفاظ في تفسير اشرف الالفاظ، ۴/ ۲۵۴۶، وازة مولد.

۲۵. التبيان، ۵/ ۲۹۲.

۲۶. همان.

۲۷. همان.

۲۸. ترجمه تفسير جوامع الجامع، ۳/ ۱۵.

۲۹. تفسير كشاف، ۲/ ۲۹۳، با تحقيق عبدالرزاق المهدي، دار احياء التراث العربي.

۳۰. ترجمه تفسير جوامع الجامع، ۳/ ۱۵.

۳۱. تفسير نسفی، ۲/ ۲۰۶؛ بحر المحيط، ۵/ ۴۹۹؛ تفسير صافی، ۲/ ۳۷۱ و....

۳۲. الميزان، ۹/ ۳۷۷.

۳۳. التحرير والتنوير، ۱۱/ ۲۳.

۳۴. التحقيق في كلمات القرآن، ۷/ ۱۳۰.

۳۵. الميزان، ۹/ ۳۷۷.

ترجمه در قرآن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجمع علوم انسانی

